



انواع گوهرتراشی

هنر گوهرتراشی با توجه به نوع سنگ، میزان شفافیت و کاربرد نهایی آن به شاخه های مختلفی تقسیم می شود. در این میان، مهم ترین گام پیش از آغاز تراش، تشخیص دقیق این نکته است که کدام سبک می تواند بیشترین ارزش افزوده را برای یک سنگ خاص ایجاد کند. برای نمونه، یک فیروزه باارزش معمولاً باید به شیوه دامله تراش بخورد. درحالی که یک دمانتوئید شفاف نیازمند تراش فست است تا درخشش و ارزش واقعی خود را نمایان کند.

تراش دامله یا گتبدی (Cabochon)



تراش دامله یکی از کهن ترین و رایج ترین روش ها در هنر گوهرتراشی است که بیشتر برای سنگ های کدر یا نیمه شفاف به کار می رود. در این شیوه، سطح رویی سنگ به صورت گنبدی و منحنی صیقل می خورد و سطح زیرین آن تخت یا کمی محدب باقی می ماند. این فرم هندسی سبب می شود رنگ، بافت و نقش های شجر در دل سنگ به زیبایی نمایان شوند. در ایران، به ویژه در خراسان، این نوع تراش برای فیروزه نیشابور، انواع عقیق و سنگ های طرح دار محبوبیت فراوانی دارد و به دلیل ساختار کاربردی اش، انتخابی ایده آل برای انگشتر، گردنبند و نگین های سنتی است.

تراش زاویه دار یا فست (Faceted)



این سبک تراش ویژه سنگ های شفاف و با کیفیت جواهری است. در تراش فست، هنرمند سطوح هندسی کوچک و متعدد را روی سنگ ایجاد می کند که هرکدام مانند یک آینه کوچک، بازتاب دهنده نور هستند. چیدمان دقیق این سطوح بر اساس محاسبات نوری، درخشش، تالو و آتش سنگ را به بیشترین حد ممکن می رساند. سنگ های گران بهایی همچون الماس، یاقوت، زمرد و همچنین دمانتوئید کرمان با این شیوه تراش می خورند. اجرای این روش نیازمند دستگاه های دقیق، مهارت محاسباتی بالا و شناخت ضریب شکست نور در سنگ است.

حکاک و نقش برجسته (Carving & Engraving)



این شاخه، نقطه پیوند گوهرتراشی با هنرهای تجسمی، مجسمه سازی و صنایع دستی است. هنرمند با بهره گیری از ابزارهای ظریف، خطوط، حجم ها و نقوش گوناگون را روی سنگ یا در عمق آن پدید می آورد. این طرح ها بازه ای متنوع از نقوش اسلیمی، ختایی، چهره و نمادها تا کتیبه های خوش نویسی را دربرمی گیرند. خروجی این هنر از نگین های خطی و انگشترهای سنتی گرفته تا تندیس های کوچک و مدال های یادبود گسترده است و نیازمند صبوری، تسلط بر عمق و درک دقیق از بافت سنگ است.

تراش فانتزی (Fancy Cutting)



رویکردی آزاد، مدرن و خلاقانه است که در آن هنرمند خود را به چارچوب های هندسی کلاسیک محدود نمی کند. فرم نهایی در تراش فانتزی اغلب نامتقارن، انتزاعی یا متأثر از رگه ها و خطوط طبیعی سنگ خام است. در این شیوه، بازی با حجم، انحنا، شکست نور و همنشینی سطوح مات و براق جلوه می کند. این سبک به طور ویژه در طراحی جواهرات مفهومی و سفارشی معاصر کاربرد دارد و هویتی منحصربه فرد به اثر می بخشد.

تراش مهندسی و صنعتی



تمرکز اصلی این شاخه بر کارکردهای فنی سنگ است و جنبه های زیبایی شناختی در اولویت نخست قرار ندارند. در این حوزه، سنگ های با درجه سختی بسیار بالا مانند الماس های صنعتی، کاربیدها و سرامیک های مهندسی به قطعاتی با دقت میکرونی تبدیل می شوند. این قطعات در ساخت مته های حفاری عمیق، تیغه های برش صنعتی، دیسک های سایش و تجهیزات پزشکی کاربرد دارند و معیارهایی نظیر مقاومت سایشی، پایداری حرارتی و دقت ابعادی در آن ها حیاتی است.

تراش های کاربردی و دکوراتیو (ظریف تراشی)



هدف از این شیوه، خلق آثاری است که پیوندی میان هنر و زندگی روزمره برقرار می کنند، از ساخت ظروف سنگی لوکس مانند کاسه، گلدان، جاشمی و ابزارهای رومیزی گرفته تا قطعات بزرگ تر کاربردی در معماری داخلی همچون روشویی، صفحات میز، کانتر آشپزخانه و پنل های دیواری. در ظریف تراشی، افزون بر درخشش و پرداخت نهایی سطح، ویژگی های فنی مانند ضخامت مهندسی شده، وزن، استحکام ساختاری و سهولت نگهداری نیز مدنظر قرار می گیرد.



شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۵
۲۷ شهریور ۱۴۰۵
شماره ۲۸۵۲

۱۱



عکس: تانجیس شادی شپوراز

سنگ های خام با تن زمختشان کنار نگین های صیقلی و براق نشسته اند؛ گویی طبیعت و هنر، شانه به شانه هم ایستاده اند. روی میزها، در جعبه ها و سینی ها، تکه سنگ هایی دیده می شود که هرکدام نه دیگر کاملاً سنگ اند و نه هنوز به تمامی اثری هنری.

جهانی پنهان از رگه، رنگ و درخشش قرار دارد؛ جهانی که در آن سنگ، پیش از آنکه شینی خاموش باشد، ماده ای زنده برای آفرینش است. با اولین نگاه، رنگ ها خودشان را به چشم تحمیل می کنند؛ سرخ عقیق، آبی های کم رنگ، زرد های روشن، سبزهای خاموش و بنفش های عمیق.

طنین همتی | در کوچه های پیچ در پیچ اطراف بازار رضای مشهد، جایی میان رفت و آمد زائران و هیاهوی خرید سوغات، کارگاهی هست که انگار زمان در آن با ریتم دیگری می گذرد. در فضای پشت در نه چندان پرزرق و برق آن،



فیروزه نیشابور؛ شناسنامه سنگ های قیمتی ایران



این گزارش را در اینجا به پایان نرساندیم و به کارگاه کوچک گوهرتراشی دیگری در شهر سر زدیم. رامین درجری، پشت میز کارگاهش در مشهد ایستاده است و نور چراغ بر سطح سنگ های خام می تابد. تکه سنگ ها هنوز شکل نگرفته اند، اما او طوری با آن ها صحبت می کند که گویی هرکدام داستانی دارند؛ داستانی که از دل خاک شروع می شود و اگر درست خوانده و تراش بخورد، به نگینی تبدیل می شود که هم زیبایی دارد و هم ارزش.

او که اهل نیشابور است و سال هاست در مشهد زندگی و کار می کند، از همان ابتدا بحث را از ویترین ها بیرون می کشد و به زمین شناسی گره می زند. به اعتقاد او ایران کشوری غنی است؛ سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی در نقاط مختلفش یافت می شوند، اما بعضی نام ها در این میان وزن دیگری دارند؛ هم به دلیل شهرت جهانی و هم به خاطر ارزش اقتصادی شان.

وقتی نام فیروزه می آید، لحنش قاطع تر می شود، انگار درباره یک شناسنامه صحبت می کند. او معتقد است اگر قرار باشد معروف ترین ارزشمندترین سنگ قیمتی ایران را نام ببریم، فیروزه نیشابور در صدر است. دستش را روی یکی از نمونه های می گذارد و از رنگ و بافتش حرف می زند؛ از معدنی که به گفته او یکی از قدیمی ترین معادن شناخته شده جهان است و ردپای آن در روایت های تاریخی تا مصر باستان هم دیده می شود. او می افزاید در نقاط دیگری همچون دامغان و کرمان هم فیروزه داریم، اما وقتی پای کیفیت، قدمت و اعتبار در بازار جهانی وسط باشد، فیروزه نیشابور یک سر و گردن بالاتر است.

وقتی تراش، قیمت را چندبرابر می کند روی میز: کنار فیروزه ها، سنگ هایی هست که شاید چشم غیرمتخصص خیلی سریع از کنارشان بگذرد. درجری اما مکث می کند و از سنگی نام می برد که در میان اهل فن، جایگاه مهمی دارد؛ دمانتوئید کرمان. او می گوید این سنگ به خصوص پس از تراش، جهش قیمت پیدا می کند؛ جهشی که در کارگاه واقعا محسوس است. نه فقط در حرف و عدد، بعضی نمونه ها پس از گوهرتراشی، ۱۰ تا ۲۰ برابر حالت خام قیمت پیدا می کنند. او این را همچون یک قانون کارگاهی بیان می کند که ارزش همیشه در تراش و خواندن درست سنگ کامل می شود.

حرف که به خراسان می رسد، درجری می گوید این استان یک برند قطعی دارد؛ فیروزه نیشابور. اما در کنار آن، خانواده عقیق نیز هست؛ به ویژه عقیق های شجر و طرح دار که نمونه های خاص آن ها می تواند در بازارهای تخصصی قیمت های قابل توجهی داشته کنند.

او با تأکید بر اینکه این حوزه می تواند یک آینده شغلی درخشان باشد، بیان می کند: اگر دل به این کار ببندید و دوره های حرفه ای را بگذرانید، درآمد خوبی خواهد داشت، اما مهم این است که آموزش درست باشد.

گوهرتراشی؛ هنری هم زاد با استخراج فیروزه

وقتی از قدمت هنر تراش سنگ های قیمتی در خراسان می پرسیم، پاسخش ساده است؛ از وقتی فیروزه استخراج شد، تراش هم آغاز گشت. سنگ خام به خودی خود برای زیورآلات

سنگ طبیعی و وسوسه رنگ های مصنوعی احمد حاجیان شهری، گوهرشناس و گوهرتراش مشهدی. در این کارگاه از هنری حرف می زند که هنوز آن طور که باید دیده نشده است؛ ذائقه



سفارش در مشهد با جاهای دیگر کمی فرق دارد؛ بازار اینجا رنگ و طرح خودش را می پسندد. بعضی رنگ ها و مدل ها خریدار دارند و بعضی، هرچقدر هم زیبا باشند، کمتر به چشم می آیند. او با نگرانی از سنگ های رنگ شده ای می گوید که از کشورهای مختلف وارد بازار می شوند، سنگ هایی که با مواد تثبیت کننده و رنگ های مصنوعی، چهره ای فریبنده پیدا می کنند و جای سنگ طبیعی را تنگ تر می سازند. در نگاه او، این فقط یک رقابت تجاری نیست، بلکه ضربه ای به اصالت و اعتماد بازار و نشانه ای از کمبود نظارت و بی متولی بودن این حوزه است. حرف که به بازار می رسد، حاجیان شهری از ارزش دلاری این هنر در برابر هزینه های ربالی آن می گوید. او معتقد است گوهرتراشی هنوز ارزش افزوده بالایی دارد و یک تراش درست به دست هنرمند می تواند ارزش سنگ را چندبرابر کند. در کنار آن، عقیق هایی قرار دارند که بسته به رنگ، معدن و کیفیت، فاصله ای چشمگیر در ارزش پیدا می کنند. بعضی رنگ ها فراوان اند و بعضی کمیاب؛ همین کمیابی است که سنگ خام را از «ماده» به «سرمایه» تبدیل می کند.

فقط نگین نیست؛ مجسمه هم هست

در میان انبوه سنگ ها، او مدام تأکید می کند که گوهرتراشی فقط به نگین و زیورآلات ختم نمی شود. از گوی های سنگی، اشیای دکوراتیو و مجسمه هایی حرف می زند که در بازارهای جهانی درآمد بالایی دارند؛ اما در ایران، کمتر به صورت حرفه ای وارد این مسیر شده ایم. به باور او، ظرفیت وجود دارد، آنچه کم است، حمایت، سرمایه گذاری و نگاه جدی است.

جوان ها و کارگاهی که می توانند مدرسه باشد

وقتی سخن به آموزش می رسد، لحن او رنگ دیگری می گیرد. حاجیان شهری معتقد است اگر حمایت واقعی، از پرداخت وام تا فراهم کردن ابزار و تضمین خرید محصولات کارآموزان در ماه های نخست، وجود داشته باشد، گوهرتراشی می تواند برای بسیاری از جوانان شغل ایجاد کند؛ شغلی که هم هنر است، هم مهارت و هم امکان درآمدزایی دارد.

در لایه لای حرف هایش، اشاره هایی نیز به دشواری های مسیر رسمی دیده می شود، از مالیات و مجوز گرفته تا بیج وخم های اداری.

او می گوید، همین مسائل باعث می شود بعضی افراد ترجیح دهند صادرات و فروش را در سکوت پیش ببرند، بی سروصدا و دور از چشم. نتیجه این است که هنر و سنگ ایرانی، با وجود ظرفیت بالا، کمتر آن گونه که باید در بازار جهانی عرضه می شود. شاید مهم ترین چیزی که در این کارگاه دیده می شود، فعل «تبدیل» باشد؛ تبدیل خامی به پرداخت، سختی به ظرافت و سنگ به معنا. گوهرتراشی تمرینی برای صبر و کشف است؛ برداشتن آنچه اضافی است تا آنچه در دل سنگ پنهان بوده، خود را نشان دهد.

هنرمندی که با تراش، به گوهر جان تازه می دهد



در گوشه دیگر این کارگاه، پشت دستگاه تراش، فرزانه بهرام زاده با تمرکز و حوصله بر قطعه ای سنگ قیمتی مشغول فعالیت

